



بررسی و تحلیل اقتباس از آیات و احادیث در مکاتیب سنایی از جهت لفظی (دستوری و بلاغی) و معنوی*

مریم باقی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

چکیده

اقتباس و استفاده از آیات وحی و احادیث نبوی در متون نثر فارسی و عربی بعد از اسلام امری رایج بود که به اقتضای معنی یا برای آرایش و زینت کلام به روش‌های مختلف به کار می‌رفت. این کاربرد در انواع متون نثر فارسی اعم از عرفانی، مکاتیب، قصص و تواریخ و... کم و بیش رایج بود. مکاتیب سنایی از جمله متون نثر فنی در قرن ششم است که در آن، آیات و احادیث، به وفور و برای اغراض مختلف و به شیوه‌های متعدد با رعایت پیوستگی لفظی و معنایی با متن فارسی آن به کار رفته‌است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا جنبه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی عبارات قرآنی و حدیثی با متن فارسی آن بررسی شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در «مکاتیب» سنایی از جهت لفظی، آیات و روایات به عنوان جزئی از نثر فارسی دارای نقش‌های مختلف دستوری هستند و از نظر بلاغت هم در بعضی عناصر بلاغی به کار می‌روند. اقتباس‌های قرآنی و حدیثی از نظر معنوی نیز با متن فارسی پیوستگی دارند و برای متمیم و تکمیل کلام و تأیید و تأکید آن استعمال شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آیات، احادیث، مکاتیب، سنایی، اقتباس.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵.

^۱ E-mail: mbaghi@qom.ac.ir



An Analysis of Verbal (Grammatical and Rhetorical) and Semantic Adaptation of the Quranic Verses and Ahadith in *Makatib-e Sanaii**

Maryam Baghi¹

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature,
University of Qom

Abstract

Adaptation and using the divine verses and Ahadith from Prophet Muhammad (PBUH) in Persian and Arabic prose has been common after Islam and it has been applied in different methods for semantic or word embellishment purposes. This application has been more or less common in various Persian prose including mystical texts, letters, stories, historical books, and so on. *Makatib-e Sanaii* is a technical prose in the sixth century in which abundant Quranic verses and Ahadith have been used with different purposes and in various methods with adherence to verbal and semantic coherence with the Persian text. The present study aims to explore different aspects of verbal and semantic coherence between the Quranic phrases/Ahadith and the Persian text. The results of the study show that from verbal point of view, the verses and narrations in *Makatib-e Sanaii* are as a part of the Persian prose and they have different grammatical functions. They are also used in some rhetorical elements. The Quranic and Hadith adaptations have semantic coherence with the Persian Text as well and they are applied to complete, confirm, and emphasize the text.

Keywords: Verses, Ahadith (Traditions), *Makatib*, Sanaii, Adaptation

* Received: 19, May, 2017; Accepted: 15, May, 2018

¹. Email: mbaghi@qom.ac.ir, (Corresponding Author)

مقدمه

اقتباس از آیات قرآن و احادیث نبوی به تبعیت از نثر عربی در نثر فارسی راه یافت. حفظ قرآن و استشهاد به آیات و احادیث برای کاتب از ضروریات تلقی می‌شده و محور کتابت، استخراج معانی از قرآن کریم و احادیث نبوی بوده است (قلقشندی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۸۶). آیات و احادیث در متون نثر فارسی، در ابتدا به اقتضای معنی یا به عنوان تأیید و تأکید و بیشتر به طریق نقل قول مورد اقتباس قرار گرفت و به تدریج و افزون بر مقاصد یاد شده، برای آرایش و زینت کلام نیز کاربرد یافت. عنایت به اسلوب قرآن کریم و وجود آثار منظوم و منثور عربی، به تدریج باعث در آمیختگی لغات و ترکیبات عربی و فارسی در نثر فارسی گردید (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۳۱-۱۳۰). این تنوع و تکلف در استفاده از آیات و احادیث، در نثر فارسی بیش از نثر عربی است؛ زیرا «در نثر فارسی، اختلاف لغت و زبان موجب می‌آمد تا در کیفیت استقرار جمل و عبارات عربی در متن فارسی، دقایق و شرایط فنی خاصی به کار رود که در نثر عربی بدان نیازی نبود» (همان: ۱۹۸).

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی، شاعر دوران ساز قرن ششم و از قله‌های شعر و ادب فارسی است که علاوه بر آثار منظوم، پاره‌ای از آثار منثور نیز از او باقی مانده است. مهمترین آن‌ها، نامه‌هایی است که به همت نذیر احمد گردآوری و عنوان مکاتیب بر آنها نهاده شده است. این کتاب که «خالی از فواید عرفانی نیست» (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۳۵)، در بردارنده هفده مکتوب است که سنایی آن‌ها را خطاب به دوستان، وزرا و صدور غزنین و بهرام شاه غزنوی نوشته است (احمد، ۱۳۶۲: ۲۴). مضامین این نامه‌ها، بیان خواسته‌ها، طرح گله و شکایت از رفتار دوستان، دفاع از اصول عقاید خود و رد اتهاماتی است که به وی نسبت داده‌اند (مالکی، ۱۳۸۰: ۲۴). در این اثر، سنایی با زبانی آهنگین و با هنرنمایی در سبک انشا و نگارش، به بیان عواطف و احساسات خود نسبت به مخاطب و طرح اهدافی که درون مایه‌های اصلی نامه‌های او را تشکیل می‌دهد، می‌پردازد. یکی از ابزارهای سنایی

در به کارگیری این زبان هنری در نثر مکاتیب، اقتباس‌های مکرر از آیات قرآن و احادیث نبوی است که در بافت کلام جای گرفته و با متن فارسی پیوستگی محکمی دارد.

پیشینه پژوهش

درباره تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی، تاکنون پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته که عمده آنها ناظر به بررسی انواع اقتباس از آیات و احادیث در متون منظوم است و کمتر کاری در این زمینه در حوزه نثر صورت پذیرفته است. حسین خطیبی در «فن نثر در ادب فارسی» به بررسی اقتباس در نثر فارسی به ویژه نثر قرون ششم و هفتم هجری پرداخته و این فن را از جهت کیفیت ارتباط لفظی و معنوی آیات و احادیث با نثر دوره‌های یاد شده و نیز از نظر تنوع و اقسام آن مورد بحث قرار داده است. تقی پورنامداریان و الهام رستاد در مقاله «بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روز بهان بقلی» چگونگی کاربرد آیات و احادیث را در پیوستن به متن یاد شده نشان داده‌اند. حسین حیدری، نویسنده مقاله «پیوند آیه‌ها و آرایه‌ها در مرصاد العباد» نیز چگونگی تدوین و ساختار محتوای این اثر منثور عرفانی را با بهره‌گیری از آیات وحی بر رسیده است. علاوه بر این موارد درباره مکاتیب سنایی نیز تاکنون پژوهش‌هایی دیگری نیز صورت گرفته؛ از جمله کتابی با عنوان «مقایسه کُلی بین مکاتیب غزالی و سنایی» از حمیدرضا خوشنویس، مقاله پژوهشی «تحلیل ساختار و سبک مکاتیب سنایی» از محمد بهنام فر، پایان‌نامه «بررسی مضامین عرفانی در مکاتیب محمد غزالی، احمد غزالی و سنایی» از سید عباس موسوی مطلق و نیز مقالاتی که درباره ارزش تاریخی مکاتیب سنایی نوشته شده؛ مانند: مقاله «مکاتیب سنایی غزنوی» از هیبت الله مالکی، و مقاله «مکاتیب سنایی» از محمدرسول دریگشت. مقاله پیش رو، پژوهشی تازه برای یافتن ارتباط آیات و روایات مکاتیب سنایی با متن فارسی آن و بررسی جنبه‌های لفظی و معنوی این ارتباط است.

آیات و احادیث در مکاتیب سنایی

مکاتیب سنایی از نثرهای فنی قرن ششم است که آیات و احادیث در آن به طور گسترده به کار رفته (حدود ۱۰۰ آیه و ۵۰ حدیث) و این وفور کاربرد، «یکی از ابزارهای نویسنده برای اطناب مطلب و انتخاب و استعمال هرچه بیشتر لفظ در برابر معنی است» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۴۶). سنایی در تلفیق جملات و عبارات عربی با نثر فارسی، به حُسن ترکیب کلام عنایت ویژه دارد؛ به طوری که در کلام او این عبارات از وجوه مختلف لفظی و معنوی با نثر فارسی پیوند دارند. او با استفاده فراوان از آیات و اخبار و نیکو نشانیدن این تضمینات در نسج کلام فارسی، مهارت و هنرمندی خود در نثر فنی را اثبات می‌نماید.

۱. ارتباط لفظی آیات و احادیث مکاتیب با متن آن

بسیاری از آیات و احادیث در مکاتیب به اقتضای متن و بدون هیچ فاصله‌ای که آن‌ها را از نثر فارسی مجزا نشان دهد، به نثر می‌پیوندند. از این رو از نظر دستوری، عهده‌دار نقش‌های گوناگونی می‌گردند. هم‌چنین این عبارات از نظر بلاغی، زیبایی خاصی به نثر می‌بخشند. «این نکته مسلم است که هم معمولاً آثار نظمی و نثری هر زبان در تدوین علم بلاغت تأثیر مستقیم دارد و هم متقابلاً علم بلاغت و موازین آن در تکوین آثار ادبی زبان مستقیماً موثر است» (همان: ۱۴۹).

۱-۱. کارکردهای دستوری

در نثر مکاتیب، تنوع نقش‌های دستوری آیات و احادیث، قابل ملاحظه است که عبارت است از:

۱-۱-۱. نقش فاعل:

«شکورٌ حلیمٌ» از زمره سؤال کند که «إِصْطَنَعُ إِلَيْهِ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِهِ مَعْرُوفًا هَلْ شَكَرْتَ

عبدی؟» (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۹).

- «اکنون به بزرگی که «ذوالفضل الکبیر» با آن بزرگ دین و دنیا کرده...»

(همان: ۱۰۴).

این گونه آیات که در نقش فاعل ظاهر گردیده‌اند، بیان‌کننده اسمی از اسامی حق تعالی هستند و کاربرد آنها در متن، با موضوع و مطلبی که سنایی بدان می‌پردازد، تناسب و هماهنگی دارد؛ به عنوان نمونه در مثال نخست، سنایی با طرح حدیث قدسی مربوط به لزوم شکر گزاری انسان‌ها نسبت به همدیگر، از خداوند به عنوان گوینده این حدیث، با تعبیر قرآنی «شکورٌ حلیمٌ» یاد می‌کند تا این نکته را یادآوری کند که خداوند پیش از مکلف کردن بندگان به قدردانی از یکدیگر، خود آراسته به این صفت است. یا در این عبارت: «احسن الخالقین» در بیمارستان کون و فساد ما را از علت نگارگری مجاز و نگارپذیری دروغ نگاه دارد (همان: ۵۸). سنایی با بیان واژه‌هایی چون: نگارگری و نگارپذیری، از خداوند با صفت قرآنی «احسن الخالقین» یاد کرده که در آن، حسن صورتگری خالق در ارحام مادران را خاطر نشان می‌سازد. (برای اطلاع از سایر موارد: ۱۱۵، ۱۱۴، ۷۴، ۵۸).

۱-۱-۲. نقش نهاد (مسند الیه):

- «إخسأوا فیها و لا تکلمون» نعت مختصرانی است که ایشان عاشق صورتی‌اند که امروز بازی راست و فردا غمازی را» (همان: ۳۹).

- «متاعاً لکم» اتحاد روحانی است» (همان: ۸۸).

گروه نهادی:

- «الف» «أنا خیر منه» در ابلیس گشت و نون «أنا ربکم الاعلی» عقابین

فرعون» (همان: ۱۱۳).

۱-۱-۳. نقش مسند:

- «من تا آن امانت را که گواهی آن «حملها الانسان» است قبول کرده‌ام،

امانت هیچ دزد از برای مزد نپذیرفته‌ام» (همان: ۸۳).

۴-۱-۱. نقش مفعول:

- «شرعی که در ولایت آن «حُسن العهد من الايمان» وضع کرده باشند، هیچ فاسق و ممخرق آن را نسخ [تواند کرد]» (همان: ۳۴).
- «زبان قیامت «فلا انسابَ بینهم» بر خواند» (همان: ۱۱۵). برای اطلاع از سایر موارد (رک: ۱۱۵، ۱۱۰، ۷۷، ۴۰، ۳۴، ۳).

۵-۱-۱. نقش متمم:

- «تا کار به «شیاطین الانس و الجن» چه رسد؟» (همان: ۱۱۹).

۶-۱-۱. نقش قید:

- «آزادگانی که از حظیرهٔ قدس، «علی سُرر متقابلین»، در یک مجلس مزدوج باشند مکاتیب میان ایشان سمح باشد» (همان: ۸۷).
- «در نشئه اولی ابناء دنیا را از دیوان «إنک من المنظرین» فرمان در فرمان است «إلی یوم الدین»» (همان: ۴۱).

۷-۱-۱. نقش بدل:

- «دستش از همهٔ دست آویزها کوتاه کرده باشند، مگر از سه چیز: «صدقۀ جاریۀ» [....] «و علمٌ ینتفع به» [....] «و ولدٌ صالحٌ یدعو له بعد موتہ» (همان: ۵-۶).

۸-۱-۱. جمله‌های پایه و پیرو:

«جملهٔ پایه آن قسمت از جمله مرکب است که غالباً غرض اصلی گوینده یا نویسنده را در بر دارد. جملهٔ پیرو آن جزء از جملهٔ مرکب است که همراه جملهٔ پایه می‌آید و وابسته و پیرو آن است» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۰: ۳۱۰). در مکاتیب، آیات و روایات به عنوان جملهٔ پیرو، معمولاً با حرف ربط «که» به جملهٔ فارسی پایه پیوسته‌اند:

- «پیوسته شطر کلمه این سطر بر دیده دل او عرضه می کند که «کُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (سنایی، ۱۳۶۲: ۲۹).
- «قرآن کریم به حکم بشارت تسکینی مر جان این حکیم را بداد که «عسی أن تکرهوا شیئاً و هو خیرٌ لکم» (همان: ۶۳).
- «مشام روح بدان حسن عهد هر لحظه این آواز می دهد که «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ» (همان: ۹۱).
- «در گاهی که بر طاقش کتابه این باشد که «لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ» (همان: ۱۰۹).
- سایر موارد: ۱۱۲، ۱۰۹، ۹۷، ۸۸، ۷۲، ۶۹، ۶۸، ۶۰، ۵۸، ۵۵، ۵۴، ۵۳، ۳۲، ۵.

۱-۱-۹. نقش اضافی:

این نقش، بالاترین بسامد را در بین نقش‌های دستوری آیات و احادیث در نثر مکاتیب، به خود اختصاص داده است. انواع اضافه‌های به کار رفته در متن، از این قرار است:

- اضافه تخصیصی:** اضافه‌ای است که «در آن، مضاف مخصوص مضاف الیه است» (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱)؛ موارد ذیل از این نوع‌اند:
- «مهرتانی که فرمان برداران اشارت «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» اند» (سنایی، ۱۳۶۲: ۳۸).
- «الف «انا خیرٌ منه» در ابلیس گشت و نون «انا ربکم الاعلی» عقابین فرعون» (همان: ۱۱۳).
- اضافه توضیحی:** در این نوع اضافه، «مضاف الیه درباره مضاف توضیح می‌دهد» (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۲):
- «قصه «وجاؤوا أباهم عِشَاءً يَبْكُونَ» فراموش کرده» (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۰).
- «طعنة «كما خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ» نشوند» (همان: ۵).

لازم به ذکر است فرشیدورد این نوع اضافه را «اضافه بدلی» یا «نوعی اضافه توضیحی» دانسته است (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۲۰).

اضافه بیانی: اضافه‌ای است که در آن، مضاف‌الیه نوع مضاف را بیان می‌کند. در این نوع اضافه، مراد نویسنده از کاربرد آیه و حدیث به صورت مضاف‌الیه، معنای محوری آن‌هاست. تنها نمونه این نوع، ترکیب «استیلای» و «أجلب علیهم بخیلک» است: - «عوانانش را به استیلای» و «أجلب علیهم بخیلک و رجلیک» گشادنامه‌ای است (سنایی، ۱۳۶۲: ۴۱). معنای مرکزی آیه، «غلبه و استیلای سپاهیان شیطان» است. سنایی این معنا را از آیه فوق بیرون کشیده و با اضافه به خود آیه، به صورت ترکیب اضافی در آورده است. با بازکردن ترکیب، این صورت حاصل می‌گردد: «غلبه و استیلایی از نوع استیلایی که در آیه آمده است».

اضافه تشبیهی: اضافه‌ای است که «در آن، میان مضاف و مضاف‌الیه، رابطه شباهت و همانندی باشد» (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۹: ۱۰۲). در این نوع اضافه که در نثر مکاتیب نیز به کار رفته، مشبّه به، به مشبّه که آیات و احادیث است، اضافه می‌گردد؛ مانند: - «سبّاعی که در بیشه» «سبّاعاً شداداً» ساکن بودند، پنجه‌ها گشادن گرفتند» (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۱).

- «نهنگک لا إله إلا الله» همه روی‌ها و سوی‌ها در پیش سرپرده سبّحانیت بیو باریده است و نقش «ثالث ثلاثه» در حوصله مشتبی بی حوصله جاثلیق و مطران بنهاده» (همان: ۱۰۲).

در ادامه، با تفصیل بیشتری از این نوع اضافه سخن به میان خواهد آمد. نوعی اضافه در مکاتیب به کار رفته که در آن، آیه یا حدیث به جای یک کلمه و به شکل ترکیب اضافی کاربرد یافته است. خطیبی این نوع را در ذیل انواع اقتباس جای داده و مثال ذیل را آورده است:

- «خواص در کنج بلا و زاویه عنایماندی و بعضی از منافع» و «انزلنا الحديد فيه بأسٌ شديدٌ و منافع للناس» باطل گشتی» که در آن، تمامی آیه به جای کلمه «حید» آمده است (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۶). نمونه این گونه اضافه در چند موضع، در مکاتیب آمده است:
- «روزی که صبحه» نُفَخَ فِي الصُّورِ «سلسله‌های حسب مجازی بگسلد» (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۴)، یعنی صبحه «قیامت».
 - «اگر طوق بندگی» أَطْعَمَهُمْ مِنْ جَوْعٍ «در گردش نیفکند، حلقه منت» آمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ «در گوشش افکند» (همان: ۴۲)، یعنی: طوق بندگی «اطعام» و حلقه منت «امنیت».
 - میان جمال «و نفختُ فيه من رُوحِي» و کمال «روحاً من أمرنا» حاجزی از حدوث و حایلی از حروف بساخت (همان: ۳)، یعنی: جمال و کمال «روح الهی».
 - «لا يُفْلِحَنَّ رَا بَا قَدْرٍ» قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ «هیچ محرمیت نیست» (همان: ۹۶)، یعنی: قدر «مؤمنان».

۲-۱. کارکردهای بلاغی

پیش از پرداختن به این بخش، نگاهی گذرا به پیشینه اهداف کاربرد آیات و روایات در متون منثور خواهیم داشت. اقتباس از آیات و احادیث در متون منثور فارسی به کتاب‌های صوفیه نظیر: «کشف‌المحجوب» اثر هجویری (اواخر قرن ۴) و «رساله قشیری» از ابوالقاسم قشیری (۴۶۵ - ۳۷۶ هـ) باز می‌گردد. در این متون، مؤلفان بدون تصویرپردازی و غالباً به منظور تأکید و تکمیل مطلب، تأیید مدعای خود یا تعلیم اصول عرفانی، از آیات و احادیث استفاده کرده‌اند: «دلیل بر علم به اثبات ذات و صفات پاک و افعال خدای تعالی - قوله تعالی: «فَاعْلَم أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و نیز گفت: «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلِيكُمْ»... و پیغمبر گفت، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ - تَعَالَى - رَبُّهُ وَأَنَّي نَبِيُّهُ حَرَّمَ اللَّهُ - تَعَالَى - لَحْمَهُ وَ دَمَهُ عَلَى النَّارِ» (هجویری، ۱۳۸۳: ۲۱). نمونه دیگر: «ابوتراب نخشی چون از اصحاب خود

چیزی دیدی که کراهیت داشتی، اندر مجاهدت افزودی و توبه کردی به نُوی و گفتی به شومی من اندرین بلا افتاد زیرا که خدای می گوید: *إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِومٌ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ* (قشیری، ۱۳۷۹: ۴۷).

به نظر می‌رسد اولین کاربردهای شاعرانه آیات و روایات در رسائل منتسب به خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱ - ۳۹۶ هـ) باشد که در آن‌ها آیات و احادیث گاه به صورت اضافه تشبیهی و استعاری به کار رفته‌اند: «یکی را زخم «لن ترانی» گُفت، دیگری در خانه ام هانی خفت» (انصاری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۶۶۱).

امام محمد غزالی (۵۰۵ - ۴۵۰ هـ) در مکاتیب فارسی خود در اثبات، تأکید عقاید و متمیم سخنانش، به وفور به آیات قرآنی و احادیث نبوی استناد جسته و هیچ تصویر شاعرانه‌ای با آیات و احادیث رقم نزده است:

«بلاغ آن است که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که *الکَيْسُ مِنْ دَانَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ ...* و استجاب آن است که به تدبیر زاد آخرت مشغول شود و *لَا يَأْخُذُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا قَدْرَ زَادِ الرَّأْكَبِ*» (غزالی، ۱۳۶۳: ۵۴).

احمد غزالی (۴۵۳ - ۴۵۲ / ۵۲۰ هـ) در «سوانح»، در موارد معدودی، از آیات تصاویر شاعرانه به دست داده است:

«خاصیت آدمی این نه بس است که محبوبی‌اش پیش از محبی بود این نه اندک منقبتی بود، «يُحِبُّهُمْ» چندان نزل افکنده بود آن گدا را پیش از آمدن او که الی الابد نوش می‌کنند هنوز باقی بود» (غزالی، ۱۳۵۹: ۱۶۳). این خطیب و صوفی معروف در نامه‌های خود، به آیات و روایات، نگاه هنری نداشته است. در «کشف الاسرار» میبیدی (قرن ۶) نیز تصویرسازی‌های برساخته از آیات و احادیث به چشم می‌خورد: «شب معراج که سید (ص) به حضرت رسید، غایت قربت یافت ... به منزل «ثمّ دنا» رسیده خلوت «أو أدنی» یافته...» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۵۰۴).

عین‌القضات همدانی (۵۲۵ - ۴۹۲ هـ) نیز در «تمهیدات» با ساخت تصاویر شاعرانه از آیات و احادیث، کلام خود را هنری‌تر کرده است: «دانی که آن نور سیاه چیست؟ «و کان

مِنَ الْكَافِرِينَ» خلعت او آمده است. شمشیر «فبِعزَّتِكَ لَأَغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» کشیده است» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹). او در نامه‌های خود، غالباً به منظور ارائه تفسیری عرفانی یا تأکید سخن خویش، از آیات و روایات بهره برده است: «جاء الحقّ و زهق الباطل، ألا كلّ شيءٍ ما خلا الله باطلاً. چون باطل نماند، حق گفت: أنا الحقّ و سبحانی ما أعظم شأنی. باز چون از مشرق خود مغربی ساخت، باطل پیدا نشد و حق در او پنهان گشت، گفت: لیت ربّ محمدٍ لم یخلُق محمداً» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۱۰).

۱-۲-۱. تشبیه:

تشبیه، «بیان مشارکت دو چیز است در وصفی از اوصاف» (رجایی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). ساختن تصاویر شاعرانه و هنری حاصل از تشبیه، با آیات و احادیث در مکاتیب سنایی، در مقایسه با نامه‌های پیش از آن مانند نامه‌های عین‌القضات، چندان پر رنگ و برجسته نیست. هر چند مکاتیب سنایی، در بردارنده مضامین و نکته‌های عرفانی است، اما برخلاف مکتوب یاد شده، لبریز از مواجید و شور و حال صوفیانه نیست و بنابراین نمی‌توان آن را از زمره نامه‌های تعلیمی صوفیه به شمار آورد (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

با این همه، گه گاه در نامه‌های سنایی، تصویرهای برساخته با آیات و روایات به چشم می‌خورد که به شیوه اضافه تشبیهی به کار رفته‌اند. قسمت عمده این ترکیبات و تصویرها، برگرفته از لوازم و ادوات کتابت و نویسندگی است که این امر، تناسب ادوات یاد شده را با ترسلات و نامه نگاری‌های سنایی خاطر نشان می‌سازد. نمونه‌هایی از این تصاویر عبارت است از: خامه «یوسوس فی صدور الناس»، منشور «إن جاء کم فاسق بنبأ»، توفیق «إن بعض الظنّ إثم» در این عبارات:

- «به خامه «یوسوس فی صدور الناس» در لوح خیال او نقش‌های محال می‌کردند»

(سنایی، ۱۳۶۲: ۷۴).

- «چرا در نخیلات دیو منشور «إِنْ جَاءَ كُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ» عاقل وار بردین خود نخواند و چرا در تسویلات نفس تویع «إِنْ بَعْضُ الظَّنِّ إِثْمٌ» مسلمان وار بر عقل خود عرضه نکرد؟» (همان: ۸۱).

سایر تصاویر که در حکم مشبهه به برای آیات و احادیث (مشبهه) و در جایگاه مضاف واقع گردیده‌اند، یا مربوط به عناصر طبیعت‌اند؛ تصاویری از این دست: بیشه «سبعاً شداداً» (همان: ۷۱)، نهنگ «لا إله إلا الله» (همان: ۱۰۲)، مشیمه «اول الفکر» (همان: ۱۰۲) و یا برگرفته از مظاهر زندگی بشری‌اند: حظیره «علی سرر متقابلین» (همان: ۱۰۲)، گداکده «ظلومی و جهولی» (همان: ۵۴)، خیل تاشان «حزب الشیطان» (همان: ۵۴) و ...

علت استفاده سنایی از لوازم، مناسبات و عناصر زندگی انسان، به طور عام، و ادوات و ابزار طبقه دیران و نویسندگان، به طور خاص، به منظور تصویرسازی‌های شاعرانه با آیات و احادیث، آن است که مخاطبان او با این ادوات آشنا و مأنوس‌اند و سنایی از این طریق می‌خواهد به طرز محسوسی توجه آن‌ها را به تأمل در آیات و احادیث، جلب و تأثیرگذاری کلام الهی و نبوی را در ذهن و ضمیر ایشان دو چندان نماید.

۱-۲-۲. کنایه:

کنایه، «عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده معنای ظاهری آن نباشد، اما قرینه صارفه‌ای هم که ما را از معنای ظاهری متوجه معنای باطنی کند وجود نداشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۳۵).

- «مپوش بر خدای عزوجل حالی که بر حضرت «لایخفی علیه شیء» پوشیده نیست» (سنایی، ۱۳۶۲: ۸۳). حضرت «لایخفی علیه شیء» کنایه موصوف از خداوند است.

- ««رحمة للعالمین» مرا بدین کلمه ارشاد می‌کرد: «سافروا تصحوا و تغنموا» (همان: ۷۵). «رحمة للعالمین» کنایه موصوف از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

کنایه‌هایی از این دست که در آن « معمولاً یکی از صفات موصوف را به جای اسم او به کار می‌برند، خاصّ همان موصوف است و از بزرگی موصوف حکایت دارد» (آقاحسینی و همتیان، ۱۳۹۴: ۲۶۶-۲۶۵).

۱-۲-۳. مجاز:

مجاز، «استعمال لفظ یا جمله در معنی غیر ما وضع له به شرط وجود قرینه و علاقه است» (شمیسا، ۱۳۷۰: ۳۹).

- «از این دو نقاش مجازی تجنب نمایند تا از خیل تاشان «حزب الشیطان» نباشند، تا در مزلفات این «طین لازب» نمانند» (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۴). «طین لازب» (گل چسبنده) مجاز از انسان است (به علاقه ما کان).

۱-۲-۴. سجع:

سجع، «آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند» (همایی، ۱۳۷۵: ۴۱).

- «روح مقدس او را مضطرب کرده، مستی هذیان نامتقارب و ترهات لامتناسب - هر چند «هو الجبل القاصف لا یزحزحه العواصف» (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۱). «قاصف» و «عواصف» مسجع‌اند.

- «در تمنای آن بودم که از گریبان او ماه بینم و از دهان او پیوسته دُرّ چینم، و لکن «لیس الدین بالتمنی و لا بالتجلی» (همان: ۲۳). میان «تمنی» و «تجلی» سجع وجود دارد.

۱-۲-۵. جناس:

جناس، «آوردن کلمات هم جنس در سخن، که در ظاهر به یکدیگر شبیه و در معنی مختلف باشند» (همایی، ۱۳۷۵: ۴۸).

- «سباعی که در بیشه «سبعاً شداداً» ساکن بودند، پنجه‌ها گشادن گرفتند» (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۱). میان دو کلمه «سباع» و «سبع»، جناس وجود دارد.

- «خلف الوعد من خلق الوعد» بر کرم عهد خوانند» (همان: ۳۰). میان «خلف» و «خلق»، جناس وجود دارد.

۲. ارتباط معنوی آیات و احادیث مکاتیب با متن آن

جنبه‌های مختلف ارتباط معنوی عبارات قرآنی و روایی مکاتیب با متن آن عبارت‌اند

از:

۱-۲. تتمیم و تکمیل:

«در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید، آیات و احادیث، نه تنها از جهت لفظ، بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل در دنبال عبارات فارسی آورده می‌شود و بی‌هیچ گونه جدایی و تمایز لفظی، بدان می‌پیوندد» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۳). در این قسم که بیشترین میزان کاربرد را در مکاتیب دارد، همه آیات و روایات دارای نقش دستوری یا بلاغی هستند و با هنرمندی خاصی، با نثر فارسی آن ترکیب شده‌اند:

- «روح مقدس او را مضطرب کرده مستی هذیان نامتقارب و ترهات نامتناسب، هر چند «هو الجبل القاصف لا یزحزحه العواصِف» (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۱).

- «در تمنای آن بودم که از گریبان او ماه بینم و از دهان او پیوسته دُر چینم، و لکن «لیس الدین بالتمنی و لا بالتجلی» (همان: ۲۳).

- «عصاره عصر و اراذل قصر در مقام جهل و حیرت زفان طعن در وی دراز کردند و گفتند: «إنّ هذا لساحرٌ كذابٌ» و چون کارنامه عهد او دیدند گفتند: «ما نراک أتبعک إلا الذین هم أراذلنا» (همان: ۱۲-۱۱).

همانگونه که دیده می‌شود، در نمونه‌های یاد شده، عبارات قرآنی و حدیثی جزئی از بافت طبیعی کلام به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که اگر از متن حذف شود، جمله‌های فارسی از نظر معنا دچار اختلال خواهند شد.

۲-۲. تأکید یا تأیید معنی قبل:

در این نوع که پس از جنبه تمیم کلام، بیشترین کاربرد را در مکاتیب دارد، سنایی ابتدا مفهوم آیه یا حدیثی را که می‌خواهد تضمین کند، به نثر بیان می‌کند؛ سپس همان آیه یا حدیث را برای تأکید آن مفهوم می‌آورد:

- «نامه نوشتن کار کاردار است به کاردان، نه کار عیب دار است به غیب دان، «تنزیلُ الكتاب من الله العزيز الحكيم» (همان: ۱۰۹).

- «نامه نوشتن کار ماست که پادشاهیم و اعلام کردن ما را سزاست که از کنه کائنات آگاهیم «الله يعلم ما تحمل كل أنثى» (همان: ۱۱۰ - ۱۰۹).

- «آسان آسان مدح او نتوان خواند و شکر او نتوان راند «و إن تعدوا نعمة الله لا تحصوها» (همان: ۲۳).

- «پیکرگری و آن قوای شهوانی است، و پیکارگری و آن نقش غضبانی است، صحرای سینۀ ایشان تنگ می‌دارند، دارندگان روحانی از سلام علیک ایشان ننگ می‌دارند، «لا تدخل الملائكة بيتاً فيه كلب أو صورة» (همان: ۵۷).

سایر موارد: ۱۱۲، ۱۰۹، ۷۷، ۶۸، ۶۱، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۲۲، ۲۱.

تأکید کلام به شکل نقل قول نیز در مکاتیب آمده که در بیشتر موارد، جدا کردن آن را از بافت متن ناممکن می‌سازد:

- «صاحب خبر خطه ملکوت و ناقد عالم جبروت از عرصه عرصات چنین خبر می‌دهد: «إذا حُشِر الخلائق يومَ القيامة» (همان: ۱۸).

- «قرآن کریم از مثنی رعنای متمنی حکایت کرد: «يحبون أن يُحمدوا بما لم يفعلوا» (همان: ۲۴).

- «ورای این همه کلمات گفته سید الانبیاست صلی الله علیه و سلم: لیس الملق من أخلاق المؤمن إلّا في طلب العلم» (همان: ۹۴).

گاهی نیز این نقل قول‌ها به گونه‌ای است که با حذف آن‌ها، پیوند معانی نخواهد گسیخت:

- «در بعضی آثارست که دو چیز در عمر بیفزاید و در زندگانی زیادت کند و سبب باریدن باران و رستن درختان بود: یکی نصرت مظلومان، و یکی قهر ظالمان - و حجت بر این گفته سخن پیشوای عالمیان است محمد مصطفی صلوات الله علیه که گفت: «بالعدل قامت السموات و الارض» (همان: ۱۱۸).

- «جویی که از آن کار شگفت‌تر نبود، ظلم جاهلان بود که بر عالم است و مصداقش قول مصطفی صلوات الله علیه: «ارحموا ثلاثه: غنی قوم افتقر و عزیز قوم ذل و عالماً بین الجهال» (همان: ۱۱۹).

۲-۳. حل معانی:

در این نوع که یکی از فنی‌ترین اقسام اقتباس است، نویسنده برای اشاره به آیه یا حدیث خاصی، یک یا چند کلمه مشخص از آن را به شکلی هنری در متن کلام فارسی می‌گنجانند» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۷-۲۰۶):

- «به حرمت اهل حرمت که اگر الخناس که کاتب الوهم ابلیس است، این تلبیس به تحقیق بیند، بر هوس خانه بی خردانه او خندد - و اگر الهام که کاتب الوحی رحمة للعالمین است، آن سیاست به تحقیق و به تصدیق بشنود، بر ظلم سرای بی اعتقاده او گردد» (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۵).

واژه‌های «الخناس»، «ابلیس» و «رحمة للعالمین» برگرفته از این آیات هستند: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ» (ناس: ۴) «فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» (بقره: ۳۴) «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷).

- «چون سلطان نبوت را و شهنشاه دعوت را از فضای لامکان به واسطه «کن فکان» به رسولی ولایت دست کرد «خلقته بیدی» نامزد کردند» (سنایی، ۱۳۶۲: ۷۱-۷۰).

عبارت های «کن فکان» و «خلقته بیدی»، یادآور این آیات هستند: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۲)، «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره: ۱۱۷) و «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِدْيَ» (ص: ۷۵).

نتیجه‌گیری

اقتباسات قرآنی و روایی یکی از ویژگی‌های بارز نثر فنی است که در مکاتیب سنایی به سبکی هنرمندانه استعمال شده‌است. سنایی با توجه به اقتضای کلام، آیات و احادیث را به گونه‌ای با بافت متن در آمیخته که در نثر فارسی، غریب و ناهمگون به نظر نمی‌رسند. او پیوند معانی را از دو جهت لفظی و معنوی به خوبی مراعات می‌کند و نثر را پیاپی از فارسی به عربی و از عربی به فارسی سوق می‌دهد؛ بدون آن که در این تبدیل، اختلالی در لفظ و معنی عبارت رخ دهد. سنایی در عین حال، به آرایش لفظی کلام نیز توجه ویژه دارد. از نظر لفظی، آیات و احادیث در نسج کلام نقش‌های مختلف دستوری دارند و از نظر بلاغی هم حائز اهمیت هستند. از نظر معنوی نیز، این تضمین‌ها با متن فارسی پیوستگی محکمی دارند و بیشتر جهت تمهیم و تکمیل کلام و تأیید و تأکید آن آمده‌اند. همچنین استفاده مکرر سنایی از کلام و حیانی و نبوی، علاوه بر این که نشان دهنده تسلط او بر زبان عربی است، کتابش را به اثری اخلاقی نزدیک می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۸۹). **دستور زبان فارسی** ۱. چاپ پنجم. تهران: فاطمی.
۳. انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۷۷). **مجموعه رسائل فارسی**. به تصحیح و مقابله محمد سرور مولایی. جلد ۲. چاپ دوم. تهران: توس.
۴. انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن. (۱۳۷۰). **دستور زبان فارسی** ۲. چاپ ششم. تهران: فاطمی.
۵. آقاحسینی، حسین و همتیان، محبوبه. (۱۳۹۴). **نگاهی تحلیلی به علم بیان**. چاپ اول. تهران: سمت.
۶. خطیبی، حسین. (۱۳۶۶). **فن نثر در ادب پارسی**. چاپ اول. تهران: زوآر.
۷. رجایی، محمدخلیل. (۱۳۹۲). **معالم البلاغه در علم معانی، بیان و بدیع**. چاپ چهارم. شیراز: دانشگاه شیراز.
۸. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). **از گذشته ادبی ایران، مروری بر نثر فارسی، سیری در شعر فارسی با نظری بر ادبیات معاصر**. چاپ اول. تهران: الهدی.
۹. سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۶۲). **مکاتیب سنایی**. به اهتمام و تصحیح و حواشی نذیر احمد. چاپ اول. تهران: کتاب فرزانه.
۱۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). **بیان**. چاپ اول. تهران: فردوس.
۱۱. غزالی، احمد. (۱۳۵۹). **سوانح**. بر اساس تصحیح هلموت ریتز و تصحیحات، مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. غزالی، محمد. (۱۳۶۳). **مکاتیب فارسی غزالی به نام فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام**. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: سنایی و طهوری.
۱۳. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). **دستور مفصل امروز بر پایه زبان شناسی جدید**. چاپ سوم. تهران: سخن.

۱۴. قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). *رسالة قشیریه*. ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. چاپ ششم. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. قلقشندی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ ق). *صبح الاعشی فی صناعة الإنشاء*. جلد ۱. الطبعة الاولى. لبنان: دارالکتب العلمیة و دارالفکر.
۱۶. مالکی، هیبت‌الله. (۱۳۸۰). «مکاتیب سنایی غزنوی». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. دی و بهمن. صص: ۳۱-۲۴.
۱۷. میدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. جلد ۵. به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر.
۱۸. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۸۳). *کشف المحجوب*. تصحیح محمود عابدی. چاپ اول. تهران: سروش.
۱۹. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ دوازدهم. تهران: هما.
۲۰. _____ . (۱۳۸۷). *نامه‌های عین القضاة*. جلد ۲. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
۲۱. همدانی، عین القضاة. (۱۳۹۲). *تمهیدات*. مقدمه عقیف عسیران. چاپ نهم. تهران: منوچهری.

References

The Noble Quran.

- Agha Hoseini, H. & Hematian, M. (1394). *An Analytical Look to Rhetoric*. 1st Edition. Tehran: Samt.
- Ahmadi Givi, H. & Anvari, H. (1389). *Grammar of Persian Language 1*. 5th Edition. Tehran: Fatemi.
- Ansari, Kh. A. (1377). *Majmu'e Rasa'il Farsi (Collected Persian Treaties)*. Comparatively Revised by Mohammad Sarvar Mulaii. Vol. 2. 2nd Edition. Tehran: Tous.
- Anvari, H. & Ahmadi Givi, H. (1370). *Grammar of Persian Language 2*. 6th Edition. Tehran: Fatemi.
- Farshidvard, Kh. (1388). *Today's Comprehensive Grammar Base on Modern Linguistics*. 3rd Edition. Tehran: Sokhan.
- Ghashiri, A. (1379). *Resale-ye Ghashiriyeh (Treatise of Ghashiriyeh)*. Translated by Abu Ali Hasan ibn Ahmad 'Othmani. Revised by Badi' al-Zaman Foroozanfar. 6th Edition. Tehran: 'Elmi & Farhangi.
- Ghazali, A. (1359). *Savaneh al-Oshagh (Adventures of Lovers)*. Based on Revision of Helmut Ritter and Revisions, Introduction, and Annotation of Nasrollah Poorjavadi. Tehran: Iranian Culture Foundation.

- Ghazali, M. (1363). *Persian Writings of Ghazali Named Faza'el al-Anam men Rasa'el Hojjat al-Islam*. Revised by 'Abbas Eghbal Ashtiani. Tehran: Sanaii & Tahoori.
- Ghelghashandi, A. (1407 AH). *Sobh al-a'sha fi Sana'ah al-'Ensha'*. Vol. 1. 1st Edition. Lebanon: Dar al-Kotob al-Elmiah & Dar al-Fekr.
- Hajviri, A. (1383). *Kashf al-Mahjoob*. Revised by Mahmood 'Abedi. 1st Edition. Tehran; Soroosh.
- Hamedani, E. (1387). *Letters of 'Ein al-Ghozat*. Vol. 2. 2nd Edition. Tehran: Asatir.
- Hamedani, E. (1392). *Tamhidat (Measures)*. Annotated by 'Afif 'Asiran. 9th Edition. Tehran: Manoochehri.
- Homaii, J. (1375). *Rhetorical Techniques & Literary Devices*. 12th Edition. Tehran: Homa.
- Khatibi, H. (1366). *The Technique of Prose in Persian Literature*. 1st Edition. Tehran: Zavvar.
- Maleki, H. (1380). Makatib-e Sanaii Ghaznavi (Writings of Sanaii Ghaznavi). *The Handbook of History & Geography*. January & February. pp: 24-31.
- Meibodi, A. (1371). *Kashf al-Asrar & 'Edda al-Abrar*. Vol. 5. By the Attempt of Ali Asghar Hekmat. 5th Edition. Tehran: Amir Kabir.
- Rajaii, M. Kh. (1392). *Signs of Rhetoric in Semantics, Rhetoric & Stylistic Devices*. 4th Edition. Shiraz: University of Shiraz.
- Sanaii Ghaznavi, A. (1362). *Makatib-e Sanaii*. Revised & Annotated by Nazir Ahmad. 1st Edition. Tehran: Ketab-e Farzan.
- Shamisa, S. (1370). *Rhetoric*, 1st Edition. Tehran: Ferdows.
- Zarrinkoob, A. (1375). *Literary History of Iran, A review of Persian Prose, A Study of Persian Poetry with Regard to Contemporary Literature*. 1st Edition. Tehran: Al-Hoda.